

جلد ششم

# من خواندن را دوست دارم

ویژه‌ی دانش‌آموزان اول دبستان



ط  
ب  
س  
ه  
و  
ع  
ج

ظ



غ



مؤلف: منصوره صابری



### قوطلی

این یک قوطلی است.  
این قوطلی پراز چوب کبریت است.  
مامان با کبریت، اجاق را روشن می کند.  
بازی با کبریت خطرناک است.

### طویلہ

چوپان عصرها گلہ را از صحرا برمی گرداند.  
او کوسفندان را به طویلہ می برد.  
چوپان فردا صبح، باز آن ها را  
به دشت و صحرا می برد.



### خط کش

طاها هنگام رد شدن از خیابان دقت می کند.  
او به سمت راست و چپ نگاه می کند.  
او از خط کش عبور می کند.



### خط خطی

پسر خاله ام، به خانه ی ما آمده بود.  
خواستم پرت شد.  
پسر خاله دقترم را خط خطی کرد.





### غذا

وقت ناهار است.  
من قبل از این که غذا بخورم،  
دست‌هایم را می‌شویم.  
شستن دست قبل از غذا خوردن  
خیلی خوب است.



### داغ

دست نسوزد!  
از کتری، بخار بلند می‌شود.  
بخار داغ است.  
بخار دست را می‌سوزاند.



### جغرافی

نقشه، دختر دایی من است.  
او یک کتاب جغرافی دارد.  
در کتاب جغرافی عکس‌هایی  
از طبیعت است.  
آن کتاب پر از نقشه است.



### مُرغابی

این مُرغابی نوک پهن دارد.  
او پاهای کوتاه دارد.  
مُرغابی روی آب شناور می‌شود.





ظریف

بال‌های پروانه را ببین!  
چه رنگارنگ است!  
چه ظریف و نازک است!

مُنظَّم

کاظم یک دانش‌آموز مُنظَّم است.  
او هر روز صبح زود  
از خواب بیدار می‌شود.  
او به موقع به دبستان می‌رود.



حفظ

من یک کتاب شعر دارم.  
یکی از شعرهای آن، شعر «باران» است.  
من آن شعر را خیلی دوست دارم.  
من آن شعر را حفظ کرده‌ام.

مُنْتَظِر

ما در ایستگاه ایستاده بودیم.  
ماتوی صاف مُنْتَظِر بودیم.  
اتوبوس آمد، سوار شدیم.



## منظره

مادر ماشین نشسته ایم.  
 ماشین حرکت می کند.  
 من کنار پنجره نشسته ام.  
 ما از کنار جنگل و رود می گذریم.  
 من تاشامی کنم.  
 چه منظره‌ی زیبایی!



بعد از ظهر

بعد از ظهر بود.

من می خواستم توپ بازی کنم.

ولی مامان گفت:

«شاید هسایه‌ها خوابیده باشند.»

من صبر کردم تا عصر شود.

آن وقت در حیاط بازی کردم.

## تنظیم

تصویر تلویزیون خوب نبود.  
 من نمی توانستم برنامه‌ی کودک را ببینم.  
 بابا آنتن را تنظیم کرد.  
 تصویر خوب شد.



چو ایران نباشد تن من میبارد



ما گل های خندانیم      فرزندان ایرانیم  
ایران پاک خود را      مانند جان من دانیم

ما باید دانا باشیم      هشیار و بینا باشیم  
از بهر حفظ ایران      باید توانا باشیم

آباد باش ای ایران      آزاد باش ای ایران  
از ما فرزندان خود      دلشاد باش ای ایران

«عباس مینوی شریف»

